بسمه تعالی

**برداشتی دیگر از سخنرانی «الفبای پژوهش و نگارش مقالات علمی»**

سومین نشست از سلسله نشست­های علمی گروه زبانشناسی با همکاری معاونت پژوهشی دانشکدة ادبیات و علوم‏انسانی دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «الفبای پژوهش و نگارش مقالات علمی» با ارائة دکتر نگار داوری اردکانی با حضور جمعی از اساتید و دانشجویان در روز دوشنبه 06/08/1392 در اتاق 215 برگزار شد.

دکتر داوری در ابتدای نشست ضمن اشاره به سخن دکتر محمودی بختیاری مبنی بر درخواست از اساتید برای ارائة آخرین یافته­های خود در این سلسله نشست­ها که می­تواند منجر به تولید علم شود اظهار داشتند که مترصد عملی کردن این پیشنهاد می­باشند.

دکتر داوری نوع گفتگو در این جلسه را متفاوت بیان کردند و اظهار داشتند که این نشست، گزارش یک پژوهش خاص و ویژه در یک حوزة از زبانشناسی نیست، بلکه حاصل تجربه­ای ده­ساله و از آن­جا که مخاطب این نشست دانشجویان مقطع کارشناسی نیز می­باشند عنوان آن را الفبای پژوهش و نگارش مقالات علمی انتخاب نموده­اند. دکتر داوری دانشیار گروه زبانشناسی، تدوین مقالات علمی را با امر پژوهش متناظر دانستند و تأکید کردند این­دو از هم جدا نیستند.

دکتر داوری ضمن مطرح کردن این سؤال که چرا باید مقالات علمی شکل و شیوه­ای خاص داشته باشند اظهار داشتند: قالب مقالات علمی، منطق­بنیاد است و در واقع چینش قطعات مختلف پژوهش و مقالات علمی و پذیرش این قالب نه صرفاً یک امر تقلیدی بلکه به­لحاظ منطق­بنیاد بودن این چارچوب است.

دکتر داوری بخش­های مختلف یک پژوهش را به ترتیب شامل انتخاب موضوع پژوهش، تدوین پیشنهادنامه (مقدمه)، مرور پیشینه، مبنای نظری، بحث و تحلیل و نتیجه­گیری عنوان کردند. و افزودند: «هرچه از ابتدا به انتها پیش می­رویم عرصه برای بروز خلاقیت و نوآوری نویسنده بیشتر می­شود» و در ادامه به تعریف هر یک از این بخش­ها به شرح ذیل پرداختند.

انتخاب موضوع پژوهش، یکی از زیربنایی­ترین گام­هاست و شرط اول این انتخاب علاقه­مندی است، چرا که بی­علاقگی باعث دشوارتر شدن پژوهش می­شود. البته کشف علائق در نظام پژوهشی ما به­علت وجود برخی هنجارهای اجتماعی رایج اندکی دشوار است که می­توان با تمهیداتی آن را آسان نمود. این تمهیدات عبارتند از مطالعة عمیق و وسیع که باید با توجه به زمان انجام شود. علاقه­مندی به حوزة پژوهشی و طرح یک پرسش واقعی برآمده از تأملات علاقه­مندانه؛ تا مطالعة دقیق نداشته باشیم و علاقه­ای در کار نباشد پرسشی در ذهن شکل نمی‏گیرد.

دکتر داوری عدم توجه به علائق شخصی پژوهشی و پیروی از خوشامد افراد و تبعیت از مد علمی زمانه را کار خطایی دانست و تأکید کرد که باید میان دو اصطلاح پژوهش در مرزهای علمی و پژوهش در تبعیت از مد علمی فرق گذاشت. پژوهش در مرزهای دانش به مطلع شدن از آخرین یافته­های روز و خود را به آن وصل کردن اطلاق می­شود که این ادامه دادن راه دیگر پژوهشگران است که امریست پسندیده و صرفاً در صورت وجود علاقه میسر می‏شود چرا که پژوهش یک شیء زینتی نیست.

دکتر داوری ضمن اشاره به معنای کلمه­ی تحقیق که عربی است و از باب تفعیل به معنای مطالبة حقیقت است، اظهار داشت: پژوهش، جستجوی پاسخ پرسشی معتبر در جهت کشف حقیقتی پنهان و پوشیده است. پژوهش یک درونداد و یک برونداد دارد. درونداد آن مستندات، مشاهدات، کتاب­ها و مواد خام هستند که در فرایند پژوهش مواد خام پردازش شده و برونداد می­دهد. روح پژوهش این است که حتی به بدیهیات هم شک کنیم. یک پژوهشگر هیچ­گاه گزاره­های کلیشه­ای را نمی­پذیرد چراکه او باید حقیقتی را آشکار کند. به­عنوان مثال عبارت کلیشه­ای «زبان فارسی جنسیت­زده است» مورد پذیرش یک پژوهشگر نیست. او برای ارزیابی این گزاره، پیکره­ای از زبان فارسی را تهیه می­کند و داده­های زبانی را بررسی کرده و پس از تحلیل به نتیجه حقیقی می‏رسد. بنابراین از پیش نباید به فکر تأیید فرضیات خود باشیم.

پیش درآمد هر پژوهش، تدوین یک پیشنهادنامه است که بدون مرور پیشینه فراهم نمی‏آید. پیشنهادنامه پژوهش در مرحله انتهایی پژوهش در قالب مقدمه، بازنویسی خواهد شد مقدمه هر پژوهش شامل موارد زیر است:

بیان روشن و شفاف مسئله­ی پژوهش، تبیین دقیق پرسش­های آن، بیان فرضیه­ها، محدودیت­ها، بیان اجمالی روش و ابزارهای پژوهش، تشخیص و تعریف واژه­های کلیدی. فرضیه همان پاسخ احتمالی به پرسشی است که در ذهن پژوهشگر وجو دارد؛ لازم است تعداد فرضیات با تعداد پرسش­های پژوهش متناظر باشد. از یاد نبریم که محدودیت­های پژوهش با مشکلات پژوهش متفاوت است. مسائلی همچون کمبود منابع علمی در حیطه­ی مشکلات پژوهش قرار می­گیرد و ذکر آن در مقاله علمی و یا پایان­نامه صحیح نمی­باشد.

دکتر داوری با اشاره به جمله­ای از زنده‏یاد دکتر حق­شناس با این مضمون که «روشنفکر حق گله­کردن ندارد، چرا که گله او به خودش باز می‏گردد»، استفاده از القاب، تعارفات و گله­گذاری در یک گزارش علمی را جایز ندانست. اما محدودیت‏های پژوهش، برش­های علمی کار هستند و ممکن است زمانی، مکانی و نظری باشند. مثلاً در باب برنامه­ریزی زبان فارسی، باید محدودة زمانی و مکانی و نظریة مورد استفاده در آن مشخص شود البته لزومی ندارد که همة این محدودیت­ها در عنوان مقاله یا پایان­نامه ذکر شود. دکتر داوری ضمن اشاره­ی مجدد به منطق­بنیاد بودن پژوهش، علت قرارگرفتن مرورپیشینه در ابتدای پژوهش را، پیشگیری از به­وجودآمدن خطای احتمالی تکرار حرف پیشینیان و دوباره کاری دانستند و افزودند: هیچ­کس از مرحلة صفر نمی­تواند شروع کند و هیچ متنی جدای از متون قبلی خود نوشته نمی‏شود. بنابراین بخش مرورپیشینه، بخشی بنیادین است که ما را از خطر لغزش رهایی می­بخشد و به همین دلیل هر لغزش و کوتاهی در مرورپیشینه در بخش­های دیگر پژوهش منعکس خواهد شد. پس فوائد مرورپیشینه را می­توان موارد زیر ذکر کرد: اشراف بر پژوهش­های پیشین در موضوع مورد نظر، پرهیز از دوباره کاری، توانایی انتخاب موضوع مناسب، توانایی طرح پرسش صحیح و درخور پژوهش، توانایی تبیین درست محدودیت­های پژوهش و اتصال به جریان­های پژوهشی حول و حوش موضوع پژوهش.

دکتر داوری در ادامه به بیان شیوه­های نگارش مرورپیشینه پرداخت و گفت: می‏توانید براساس تاریخ و از قدیم به جدید یا بر اساس مطالعات ایرانیان در مقابل مطالعات غیر ایرانیان و یا براساس موضوعات مدنظر آثار مرور شده را تنظیم نماید. این بخش نیز ساختار درونی خاص خود را دارد و لازم است درباره هر اثر یک پاراگراف که دربردارنده­ی پرسش پژوهش، روش پژوهش و نتیجة پژوهش است نوشته شود.

بخش دیگر یک پژوهش، مبنای نظری آن است که حتماً باید از مرورپیشینه جدا نوشته شود. در حالی­که به آن بسیار مرتبط است چراکه از دل مرورپیشینه بیرون می‏آید. مبنای نظری، زیربنای پژوهش، الگوی مشخص­کننده­ی سمت­وسوی پژوهش و نقشه­ی راه است. مبنای نظری می­تواند انتخابی (بسیط یا تلفیقی) و یا نظر­پردازانه باشد. در مقطع کارشناسی ارشد و بعضاً دکتری، مبنای نظری بیشتر پایان­نامه­ها انتخابی هستند که ممکن است بسیط( استفاده از یک مبنای نظری) و یا تلفیقی (تلفیقی از چند مبنای نظری حاضر و آماده) باشند. نظریه­پردازی، دیریاب­تر است و پژوهشگران باسابقه می­توانند به آن دست یابند. در مبنای نظری باید نوآوری، انسجام و انطباق وجود داشته باشد. پژوهشگر نباید یک پذیرنده­ی صرف باشد. پذیرندگی مطلق ضد پژوهش و تفکر است. در بخش بعد که بحث و تحلیل داده­ها است می­توانیم علاوه بر اینکه از مبنای نظری به عنوان نقشه راه بهره می‏گیریم در پایان کار از آزمون داده‏ها در آن چارچوب می‏توانیم به اصلاح و تکمیل مبنای نظری بپردازیم. و این همان است که از آن به بده بستان داده و نظریه یاد می‏شود؛ و در بخش تحلیل داده­ها، می‏توان یک نظریه ­را تکمیل و یا نقض کرد. اما در هرحال باید از شتابزدگی و پرمدعایی اجتناب کرد. تلفیق نظریه­های مختلف باید با مهارت صورت بگیرد و نمی‏توان در بخش مبنای نظری صورت جداگانه نظریه­های مختلف مورد استفاده را ذکر نمود.

دکتر داوری در ادامه در بخش بحث و تحلیل داده­ها به انواع پژوهش که تسامحاً روش­های پژوهش نیز نامیده می­شوند به شرح ذیل اشاره کرد: از جنبة غایت و کارایی پژوهش­ها به سه دسته­ی بنیادی، توسعه­ای و کاربردی تقسیم می­شوند. بنیادی بیشتر به نظریه­پردازی می­انجامد و با بنیادهای دانش و پژوهش سروکار دارد. توسعه­ای بر تحلیل وضعیت موجود و ارائه­ی راهکاری برای آن و رسیدن به وضعیت مطلوب تمرکز دارد و کاربردی پژوهشی است که در جهت پاسخ به نیازهای مشخص و ضروری جامعه انجام می‏شود.

از منظر روش گردآوری اطلاعات می­تواند تجربی و یا نظری/ مروری (مرور مطالعات پیشین) یا داده­بنیاد (پژوهش بر اساس دادة خاص مثلاً پیکره­های زبانی)/ موردی (درباب یک مورد خاص) یا میدانی (جامعة آماری وسیع) طبقه‏بندی کرد. ذکر این نکته لازم است که روش گردآوری اطلاعات با ابزار گردآوری اطلاعات متفاوت است. پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده از ابزار گردآوری اطلاعات به حساب می­آیند. براساس جنس داده­ها نیز می‏توان پژوهش را به انواع کتابخانه­ای یا پیکره بنیاد تقسیم کرد پژوهش باشد از نظر ماهیت ممکن است کمی، کیفی، توصیفی، اکتشافی، تحلیلی (تحلیل محتوا، مقایسه­ای، تطبیقی و ...) و از نظر زمان مورد مطالعه می‏تواند گذشته­نگر، همزمانی، و آینده­نگر باشد. این انواع قابل جمع هستند و می‏توانند شامل یکدیگر هم بشوند. مثلاً یک پژوهش بنیادی می­تواند تجربی نیز باشد. در بخش بحث و تحلیل داده­ها، توانایی بحث و تحلیل دقیق، در گرو تبیین درست مبنای نظری و انتخاب روش مناسب پژوهش است.

دکتر داوری در پایان به توضیح بخش نتیجه­گیری پرداخت و اظهار داشت: بخش نتیجه­گیری، بخش مهمی است ولی حرف تازه­ای نسبت به بخش چهارم ندارد چراکه همة یافته­ها در بخش تحلیل داده­ها ذکر می­شود. در این بخش لازم است موارد زیر رعایت شود: پاسخ روشن و شفاف پرسش­هاس پژوهش، در قالبی طبقه­بندی شده، به­دور از کلی­گویی، به‏دور از تکرار مکررات و مشهورات و با گنجاندن یافته­های مروری، نظری و تجربی. در خلال پاسخ به پرسش­ها، اجتناب از ذکر اعداد و ارقام و جداول مناسب به نظر می‏رسد.

در پایان جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

**تهیه­کننده: اعظم سنجابی (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان‏شناسی)**